



## تکریم شعر

نصیر « سهام »

این روزها که علالت مزاج مجال پرداختن به کارهای سودمند را از من گرفته است ، بخت یاری کرد و نوشداری ارزشمندی از دوست دیرین ، یار و یاور روزگار نوجوانی که از همان سالها تاکنون روزهای خوب و بدی را باهم پشت سر گذاشته ایم ، برایم رسید . این هدیه گرانبها « دشعر درناوی » اثر جدیدی از آن رفیق شفیق است که با رسیدن آن شکرانهء سر دوستان و یاران فرهنگی کرده آنر خواندم لذت بردم و فیض حاصل کردم .

« دشعر درناوی » یا ارجگذاری و تکریم شعر نوشتهء تحلیلی ایست از خامهء توانمند نویسندهء نامور محمد اکبر کرگر که اخیراً از سوی موسسهء نشراتی دانش در شهر پشاور پاکستان با قطع و صحافت زیبا اقبال چاپ و نشر یافته است .

کرگراز نوجوانی منظم میخواند و منظم مینوشت و این فن شریف را با همان نظم همیشگی تا هنوز ادامه داده است . با گذشت زمان همانگونه که سن و سال کرگر از خامی به پختگی به پیش میرفت سطح درک ، دانش و نوشته هایش نیز پخته و پخته تر میشد تا اینکه او داستان نویسی شد به نام و نویسندهء شد با جایگاه خاص خودش . باری از وی داستانی خوانده بودم زیر نام سینده هُ سینده بهیره . شاید او میخواست است در ین داستان دیگران را به تپش و تحرک فرا خواند ولی پندار من اینست که این دریای روان و تابان درحقیقت خود اوست که پیوسته با بار دانش و پژوهش در حرکت بوده و به پیش رفته است و این پیشرفت در نوشته های تازه اش چه هنری ، چه تحقیقی ، مشهود است .

## و در مورد « دشعر درناوی » :

اکبر کرگر درین کتاب سخن از شعر معاصر پشتو و تحلیلی از وضعیت آن دارد . او حالت شعر پشتورا حالت خویش (زمونر حال دپشتو شعر حال) خوانده و برای تحلیلش اشعار و نوشته های سلیمان « لایق » ، کاوون « توفانی » ، باری « جهانی » ، علی گل « پیوند » و اسحق « ننگیال » را گزیده است . اینکه چرا از میان آنهمه شعرا و سخنگویان زبان پشتو اینان را برگزیده است ، خودش میداند .

همانگونه که شاعر و نویسنده نامورجناب افضل « تکور » در رابطه با این اثر نوشته اند ، بررسی شعر پشتو و تحلیل و ارزیابی آن حرفی نیست جدید زیرا قبل از آقای کرگر دیگران نیز به این کار پرداخته اند و اما از دید این کمترین آنچه درین اثر تازگی دارد تحلیل روانشناسانه و قسما" فلسفی اشعار و نوشته های بزرگان یادشده در بالا است که بر بنیاد اندیشه های دانشمندانی چون سارتر ، هگل ، یونگ ، فروید و دیگران صورت گرفته است و این امر اثر را از آنچه درین زمینه در گذشته ها نوشته شده متمایز میسازد .

و اما یکی دو نکته درین کتاب توجه مرا جلب کرد که نوشتنش را ضروری پنداشتم .

نویسنده با نوشتن « زمونر حال د پشتو شعر حال » طوری افاده داده است که شعر پشتو یعنی شعر غربت در حالیکه اگر نمونه ها از شعر های شعرای انتخاب میشد که طعم تلخ غربت را نچشیده اند شاید نتیجه گیری طور دیگر میبود . شکی نیست که شعر غربت شعر یاس است و نومییدی ، شعر هویت باختگی است و شعر حرمان است . شاعر غربت نشین هر لحظه شاهد زوال هویت خود و خانواده خود است و بازتاب این زوال خواهی نخواهی در شعر ظهور مییابد . ولی اینهم مسلم است که شاعری در وطن باقی مانده یا اینکه در وطن تازه سربلند کرده است شاید از یاس و نومییدی و حرمان سخن نگوید که در آنصورت حال شعر پشتو حال ما نیست .

مورد دیگر اینکه نویسنده در قسمتی از صفحه 23 میگوید که « مونز په سیاستونه خبری نه کوو په شعر خبری کوو » و اما در تحلیل و ارزیابی شعر لایق در پشتونولی و مسایل دیگر ازین قبیل وی را در مسند خوشحال بابا قرار میدهد که مورد تامل بوده و بحث جداگانه را ایجاب میکند . با اینکه من مطالعه کافی در شعر پشتو ندارم اما فکر میکنم در رابطه با شعر و شاعری هم وی را یگانه شمردن قابل دقت به نظر میرسد . شکی نیست که چهار دهه قبل لایق یکی از سرامدان شعر دری و پشتو بود و در شعرش چنان استادانه تصویر پردازی میکرد که خواننده خود را مطلقا" در همان صحنه میدید مثلا" وقتی گفته بود :

«هلته دوچ ډاگ په لمنه باندی

دمنی باد ته یوه کیردی رپیری

په دی کیردی کی یوه رنخوره بنخه

اور بلوی او له دردو ژرپیری »

فکر میکنم هرکه این بیتها را بخواند عاجل تصویری از صحرا ، غرّدی و آن زن بیمار که با تن افسرده از درد مصروف آتش روشن کردن است ، در ذهن مجسم میشود که واقعا" کاریست استادانه ، ولی نباید فراموش کرد که درین چهار دهه استعداد های زیادی تبارز کرده اند که اشعارشان در سطح شاهکار های هنری است و بطور

طبیعی لایق صاحب با در نظر داشت مصروفیتهای سیاسی شان ازین کاروان عقب مانده اند و فکر میکنم که جایی برای آن نمی ماند که بگوییم «... لایق د یوه هنرمند ، یوه انهورگر او یوه شه شاعر په توگه بی مثال دی».

به هر حال یاد آوری این نکات به هیچ وجه به معنی کم بها دادن به ارزش تحقیقی و پرداخت هنری کتاب و آرایش شاعرانه آن نیست . کتاب چنان زیبا و دلنشین نگارش یافته که گویی شعر میخوانی .

در حالیکه نشر این اثر ارزشمند را به دوست عزیزم کرگر تیریک میگویم آرزو دارم که اگر جناب شان در مورد عرایض این کمترین نظری داشته باشند ، مرا در جریان قرار خواهند داد و این خود زمینه خواهد بود برای بحث و تبادل بر بخشهای بعدی کتاب . فعلا" همین را کافی میدانم.